

## هم‌نشینی الگوها در معماری خانه‌های تاریخی، مورد مطالعاتی: خانه صادقی (لاهیجان)

مینو خاکپور<sup>۱</sup> - فاطمه کاتب<sup>۲\*</sup>

۱. استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و فرهنگ، شعبه رشت، ایران.
۲. استاد گروه هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۰۸ تاریخ اصلاحات: ۹۶/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۲/۱۲ تاریخ انتشار: ۹۸/۱۲/۲۹

### چکیده

معماری بومی گیلان، پیش از ظهور قاجاریه، با رویکردی کاملاً اقلیمی، بر این پهنه جغرافیایی سیطره داشت. با ورود معماری قاجاری که خود، تلفیقی از معماری وارداتی و معماری سبکی قبل از آن بود روش‌های موجود که سال‌ها پابرجا مانده بود به سرعت دچار دگرگونی شد. آنچه بسیار مهم جلوه می‌نماید این است که معمار گیلانی در تلاطم ورود الگوهای جدید تا چه اندازه با بازجستن عناصر بومی در ساخت بنا، به ماندگاری رویکرد اقلیمی معماری بومی گیلان، یاری رسانده است. به عبارت دیگر در معماری، عوامل اقلیمی بومی و عناصر وارداتی در ساخت بنا چگونه و تا چه اندازه بر بنا تأثیر گذاشته‌اند. سؤال اصلی که پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به آن برآمده این است که: چگونه هم‌نشینی الگوها می‌تواند سبب انطباق ترکیب نهایی معماری با نیازهای ساکنین یک بنا شد؟ اهمیت پرداخت به موضوع، در مستندسازی بناهای تاریخی بروز و ظهور می‌نماید که خود مقدمه‌ای بر ضرورت صیانت از آثار کهن و با ارزش معماری این مرز و بوم و نیز تطابق آن با معماری امروز منطقه، در جهت دستیابی به الگوهای پایدار در ساخت و ساز است. از مهم‌ترین یافته‌های این مطالعه می‌توان به تلفیق دو رویکرد اقلیمی و سبکی در معماری خانه صادقی اشاره نمود؛ چنان که با نگاهی به عوامل موجود در این بنا، ظاهراً معمار خانه‌های شهری گیلان، به جای تأثیرپذیری کامل از نوعی معماری که برای طبقه اعیان، نشانه‌های فراوانی از تظاهر به تمول و تفاخر داشت؛ تصمیم به تلفیق معماری اقلیمی گیلان و معماری وارداتی گرفته است.

واژگان کلیدی: معماری گیلان، معماری صفویه، معماری قاجاریه، خانه تاریخی صادقی.

## ۱. مقدمه

است (Khakpour, 2014, p. 82). با این پیش فرض که کلیه عناصر معماری هر محدوده جغرافیایی با عوامل فرهنگی همان منطقه، گفتگویی مستقیم و بلاواسطه دارد به شرح جزئیات خانه شهری گیلان می‌پردازیم:

## ۱-۲- دستگاه ورودی

در منازل اعیانی گیلان که بازمانده از معماری سبک دوره صفویه بوده، دستگاه ورودی از سلسله مراتب زیر تبعیت می‌کند:

گذر ← درگاه (در) ← دالان یا حیاط ← ایوان.

در برخی از این منازل پیش طاق<sup>۱</sup> با دو سکو در جوانب درگاه با دری پرآرایه، هشتی و دالان دیده شده است که به نظر می‌رسد از دیگر مناطق ایران به این محدوده جغرافیایی وارد شده است. در این الگو سلسله‌مراتب ورود به شرح زیر است:

گذر ← پیش طاق ← درگاه (در) ← هشتی ← دالان ← حیاط ← ایوان.

خانه‌های طبقات مرفه، دارای سردر یا درگاه با کوبه (چکش و حلقه) و نیز اجزای سردر متشکل از چارچوب و قاب‌های روی آن بوده است. در منازل افراد متوسط جامعه، با تغییراتی، ورودی عموماً ساده و بی‌تکلف و خانه پس از آن هویت پیدا می‌کند و آنچه از خانه در کوچه دیده می‌شود دری ساده، گاه به‌صورت نصب پرده‌ای پس از گذار از در به سمت حیاط بروز می‌نماید.

## ۲-۲- اقلیم و جهت استقرار بنا

کرسی چینی، سقف شیبدار و ایوان از موارد تطابق اقلیمی انسان با طبیعت در گیلان است. در ساختار فیزیکی بنا، اولین طبقه بر روی کرسی قرار می‌گیرد تا فضاهای داخلی را از رطوبت مصون نگه دارد، برای استفاده از نور و نسیم، ایوان تعبیه شده و برای گریز از کج باران جبهه غرب نیز تمهیداتی اندیشیده شده است.

## ۲-۳- پر و خالی‌ها در بنا و محوطه

در معماری گیلان، اطراف حیاط عموماً با احجام، پر نمی‌شود و گاه حتی اتصالی بین احجام به چشم نمی‌خورد. در برخی موارد، بنا در وسط حیاط و فضاهای خالی در اطراف آن شکل گرفته‌اند. از عوارض محوطه می‌توان به درختان مثمر و گلدان و نیز چاه آبی که آب شرب ساکنین را فراهم می‌نماید اشاره نمود. در بافت قدیمی محلات در شهرهای گیلان اکثر خانه‌ها تک هسته‌ای<sup>۲</sup> و به ندرت دو هسته‌ای (متعلق به اشراف و رجال شهر) بوده‌اند. اولین نقشه شهر رشت که در سال ۱۲۷۸ قمری توسط ذوالفقارخان مهندس و به دستور ناصرالدین شاه برداشت شده، به تعداد ۵۱۱۶ باب خانه اشاره نموده است. در اکثریت پلاک‌ها، محوطه، فضای سبزی است که خانه در وسط و یا در جوانب آن قرار گرفته است (Khakpour, 2016, p. 7) (شکل ۱).

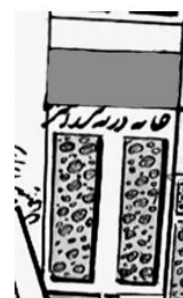
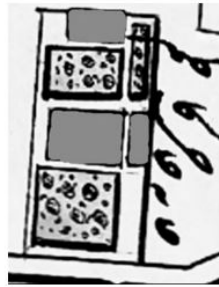
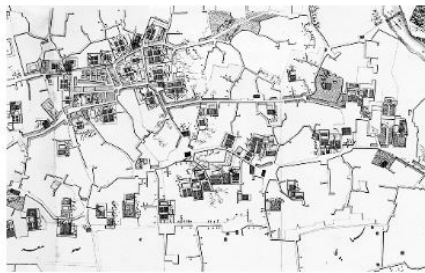
به طور کلی معماری قاجار را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود: دوره اول از آغاز سلطنت آغامحمدخان تا پایان سلطنت محمد شاه است که نگاه حاکم بر معماری، نگاهی بازمانده از سبک اصفهانی (صفویه، افشاریه و زندیه) بوده و دوره دوم که از سلطنت ناصرالدین شاه تا پهلوی اول است که اعزام محصلین ایرانی به اروپا، سبکی التقاطی از معماری بومی و معماری غربی، به وجود آورد (Hagh-parast, Mazloun Borhan, & Pirbabai, 2015, p. 45). گیلان در بازه زمانی قاجار، به دلیل استقرار در مسیر تجارت اروپا و تولید کالاهایی با اهمیت مانند ابریشم و چای و برنج، در مسیر تغییر قرار گرفته و محل تحولاتی چشمگیر شد که تأثیر فراوانی بر معماری منطقه داشت. پیش از ورود اسلوب معماری قاجار به گیلان که تأثیری انکارناپذیر بر شیوه معماری بناهای عمومی و خانه‌های شهری گذاشت، معماری بومی منطقه از ساختاری منحصر به فرد برخوردار بود؛ چرا که معمار با توجه به ویژگی‌های آب و هوایی، معماری‌ای با کارایی حداکثر و هزینه حداقل خلق کرده بود. پژوهشگر در این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است: معمار گیلانی در تلاطم ورود الگوی معماری قاجاری تا چه اندازه با بازجستن عناصر بومی در ساخت بنای صادقی، به ماندگاری رویکرد اقلیمی معماری گیلان، یاری رسانده است. به عبارت دیگر در معماری عوامل اقلیمی بومی و عناصر وارداتی، چگونه و تا چه اندازه بر بنا تأثیر گذاشته‌اند.

روش تحقیق در پژوهش مورد نظر، توصیفی و بر پایه اطلاعات میدانی و اسنادی، با شیوه تحلیل محتوا برای پاسخگویی به سؤالات است. در این نوشتار، ابتدا ویژگی‌های معماری خانه‌های منطقه جلگه گیلان مورد بررسی قرار گرفته و سپس ویژگی‌های معماری و هنر دوره‌های تاریخی صفویه و قاجار، تاریخ لاهیجان بر پایه اسناد تاریخی و نیز معماری شهری لاهیجان با انتخاب خانه تاریخی صادقی، که شکل اولیه خود را نسبتاً حفظ نموده است دنبال می‌شود و عناصر متشکله آن با شاخصه‌های کمی و کیفی معماری، مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌دهد.

## ۲. ویژگی‌های معماری خانه‌های شهری گیلان

معماری بومی گیلان برگرفته از ملاحظات آب و هوایی منطقه معتدل و مرطوب است. رطوبت اشباع در هوا و بالا بودن سطح آب‌های تحت الارضی با اثرگذاری بر کالبد بنا، شکل معماری را متأثر از این ملاحظات می‌نماید. معمار گیلانی به دلایل اقلیمی، اصرار به ساخت ایوان (جهت چرخش هوا و ایجاد سایه در فصول گرم)، کرسی چینی (جهت به حداقل رساندن رطوبت صعودی)، سقف شیبدار (جهت مقابله با تجمع بارش‌های جوی در بام بنا) دارد. این عوامل با توجه به محل قرارگیری بنا در مناطق جلگه، دشت، کوهپایه و کوهستان به اشکال متفاوت ظهور نموده

شکل ۱: بخشی از نقشه رشت (۱۲۸۷ ق.) و درشت‌نمایی دو پلاک مسکونی یک و دو هسته‌ای (بخش مسکونی با رنگ تیره نشان داده شده است).



(Farasati, 2002, p. 352)

### ۳-۱- ایوان

ایوان کارآیی فراوانی در تقابل با رطوبت هوا دارد. این فضای نیمه پوشیده مسقف با ایجاد سایه به تعدیل دما کمک کرده و با وزش نسیم به بخش بیرونی دیوارها، خنکا به داخل اتاق‌ها نفوذ می‌نماید. ایوان‌ها عموماً دارای چهار شکل: یک ایوانه، دو ایوانه، سه ایوانه و چهار ایوانه هستند. ایوان در فصول گرم سال، عنصری بسیار مهم در کنترل رفتار حرارتی بنا و در نتیجه تلطیف هوا برای ساکنان آن است (Khakpour, 2013, p. 82) (شکل ۲). گاه این ایوان‌ها با چوب و شیشه محصور می‌شوند که غلامگردش نامیده می‌شود. در سالیان اخیر یکی از الگوهای که در معماری گیلان رایج شد، جانمایی ایوان در وسط فضاها است که به دلیل محصور بودن، کارایی اقلیمی ایوان‌های چهارگانه را ندارد. این ایوان به تدریج مسدود و تبدیل به فضایی برای دسترسی به فضاهای مجاور می‌شود و راه را برای استفاده از انرژی فسیلی برای خنک کردن بنا باز می‌نماید.

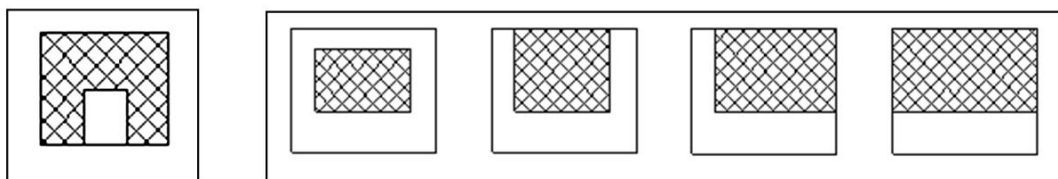
### ۲-۴- کالبد بنا

در بررسی خانه‌های شهری گیلان می‌توان به الگویی غالب که شامل یک بخش در میان و دو بخش در جوانب بوده دست یافت. بدین ترتیب که در بخش میانی تالار، سه دری یا پنج دری و در مواردی ایوان قرار گرفته است. عنصر ارتباط عمودی یعنی پله در اولین لایه پس از تالار قرار گرفته و با توجه به الگوی قرینه و علی‌رغم عدم نیاز، دو بار تکرار شده است.

### ۳. سلسله‌مراتب ساختاری بنا

معماری بومی گیلان ساختاری همساز با اقلیم معتدل و مرطوب دارد؛ بنابراین معمار در انتخاب نوع فضاها و نحوه آرایش آن‌ها از اقلیم تبعیت می‌کند.

شکل ۲: ایوان‌های چهارگانه و الگوی متأخر (چپ) و نحوه قرارگیری فضاها پر و خالی نسبت به یکدیگر



(Khakpour, 2013, p. 82)

### ۳-۲- اتاق‌ها

اغلب خانه‌های شهری گیلان در دو طبقه و تعداد اتاق‌ها معمولاً از چهار تجاوز نمی‌کند، که گاه در یک ردیف در مجاورت یکدیگر (با ارتباط به وسیله درهای داخلی) و گاه در دو طبقه ساخته می‌شوند. در این خانه‌ها با تغییر فصول، کارکرد اتاق‌ها نیز تغییر می‌کند؛ اما مساحت و موقعیت مکانی هر اتاق می‌تواند در عملکرد آن اتاق نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. تالار یا شاه‌نشین فضایی واقع در پشت ایوان اصلی و بزرگ‌ترین اتاق هر طبقه بوده و از تزیینات فاخری بر رفته‌ها<sup>۲</sup> و طاقچه‌ها و پنجره‌های ارسی

و سقف‌چوبی برخوردار است (Khakpour, 2016, p. 5). خانه‌های متأخر، فاقد ایوان و پیش‌فضا هستند و معمولاً آشپزخانه، انبار و توالت به‌صورت یک بنای کوچک از بنای اصلی جدا شده‌اند.

### ۳-۳- گربه‌رو

در منطقه جلگه‌ای گیلان به علت بالا بودن سطح آب‌های تحت‌الارضی، عموماً خانه‌ها فاقد زیرزمین بوده و فضایی با ارتفاع تقریبی یک متر به نام گربه‌رو تعبیه شده که باعث جریان یافتن هوا در زیر ساختمان و در نتیجه خنکی کف بنا در فصول گرم می‌شود. این فضا با چند بازو به شکل

پنجره در کف با جداره بیرونی بنا ارتباط داشته و امکان خروج هوا را میسر می‌سازد. پس از پایان فصل گرما، با بستن دریچه‌ها، کف بنا از بادهای سرد زمستانی در امان می‌ماند (Khakpour, 2014, p. 11) (شکل ۳).

شکل ۳: خانه آوانسیان در شهر رشت



در دوره قاجار این عنصر به بخش بیرونی بنا اضافه شد که گاه در مرکز نما و گاه در دو سمت آن (غالباً متقارن) دیده می‌شود (شکل ۴).

### ۳-۴- پله

این عنصر به دلیل عملکرد خاص، اهمیت ویژه‌ای یافته و تا قبل از دوره قاجار عموماً پشت نمای اصلی پنهان است.

شکل ۴: خانه میرزا خلیل رفیع (شورای شهر) در شهر رشت



### ۳-۷- سقف

سقف شبیدار با صندوقه چوبی<sup>۵</sup> و با استفاده از پوشش سفال (سفال پوش<sup>۶</sup>)، حلب یا ترکیبی از هر دو آن‌ها است. این سقف‌ها برای پوشش وسیع‌تر ایوان، به صورت چند پشته ساخته می‌شود که راهی برای طویل کردن تیرهای سقف و در نتیجه امکان گسترش پوشش ایوان است (Khakpour, 2013, p. 83). با ورود حلب (سیمکا) و به دلیل احتباس گرمای حاصل از تابش در زیر سقف روزنه‌ای به نام لوجنک در روی سقف شیروانی تعبیه شد تا ضمن ایجاد کوران هوا در زیر سقف، امکان دسترسی به روی سقف را نیز فراهم گرداند.

### ۳-۸- تزیینات

در گیلان به دلیل رطوبت فراوان و عمر کم مصالح، غالب بناهای به جا مانده مربوط به دوره قاجاریه و متأخرتر است. تزیینات عموماً در زیرسری تیرها و شیرسرها، محل اتصال تیر و ستون و بعضاً گوشه‌سازی‌ها می‌باشد. در این میان تزیین تیرها، از فراوانی بیشتری برخوردار است. در صورت استفاده از خشت و آجر در سازه بنا، عیناً این مصالح را در تزیینات نیز مشاهده می‌کنیم که معمولاً به صورت آجر

### ۳-۵- نما

شخصیت خارجی بنا در معماری گیلان، از دو لایه بودن این معماری در صورت و معنا حکایت دارد: شکل اول یعنی نمای اصلی، با مخاطب ارتباط مستقیم داشته و دارای ستون‌ها و نرده‌های چوبی بسیار سبک و شفاف است و شکل دوم که در پشت نمای اول قرار می‌گیرد، سنگین و شامل دیوارها، درها و پنجره‌ها است. این نمونه در معماری ایران منحصر به فرد است چرا که همیشه نمای اصلی به جهت سازه و ایستایی از عناصر لایه دوم تبعیت می‌کند (Khakpour, 2014, p. 11).

### ۳-۶- سازه و مصالح

شالوده شفته آهکی و گاه آجری و دیوارها برابر است. با توجه به رطوبت فراوان منطقه که مانع از تفاوت زیاد دما بین روز و شب، آفتاب و سایه و نیز فصول تابستان و زمستان است، استفاده از گل رس که از ظرفیت حرارتی<sup>۴</sup> بالایی برخوردار است، نامتجانس به نظر می‌رسد. برای ساخت شالوده از مصالحی مانند: قلوه سنگ و آهک که خود ضامن دفع رطوبت بوده، استفاده می‌کردند (Khak-pour, 2014, p. 11).



بنا، کتیبه فوقانی درها و پنجره‌ها را معمولاً با شبکه‌ای از انواع گره درودگری پوشش می‌دهند که معمولاً باز شو نبوده و در اصطلاح محلی به آن خفنگ می‌گویند. با توجه به هوای غالباً آبری منطقه استفاده از این نوع پنجره به منظور نورگیری بیشتر، مهم بوده و تعبیه شیشه‌های رنگی باعث مفرح بودن فضای داخلی می‌شود (شکل ۵).

پیش بر<sup>۷</sup> با مهر سفالی در بنا دیده می‌شود، همزمان و به‌ندرت می‌توان از تزیینات با مصالح دیگر مانند: کاشیکاری (معرق و هفت رنگ)، گچ‌بری (کاربندی و یا انواع اسلیمی با گچ)، حجاری (مقرنس سنگی) و نیز نقاشی (نقش‌های طبیعی مانند منظره و یا نقش‌های انسانی) نام برد (Khak-pour, 2017, p. 62). به دلیل ارتفاع زیاد فضاهای داخلی

شکل ۵: تزیینات زیر سقف خانه آوانسیان در شهر رشت: تراش شیرسرها و نقوش تیرهای زیر سقف و سر ستون‌ها



از بیرون (کوچه و گذر) با کالبد بنا که در ابتدا فضای نیمه‌باز (ایوان) و سپس فضای بسته (اتاق‌ها) واقع است برقرار می‌شود (Khakpour, 2014, p. 3).

#### ۴-۲- جهت باد و نور مطلوب

در منطقه گیلان در فصل تابستان جهت عمومی وزش باد در روز از شمال به جنوب و در شب برعکس است. با توجه به نور مطلوب این دو جبهه، به بازشوهایی که در این دو جبهه قرار دارند اهمیت ویژه داده می‌شود. از سویی دیگر کشیدگی بنا در جهت شرق- غرب موجب دریافت حداکثر نور در جبهه جنوب (در فصول سرد) و خنکا در جبهه شمال (در روزهای گرم) است (Kasmaei, 1984, p. 116) (شکل ۶). ارسی رنگی<sup>۸</sup> عموماً به تالار یا شاه‌نشین تعلق دارد.

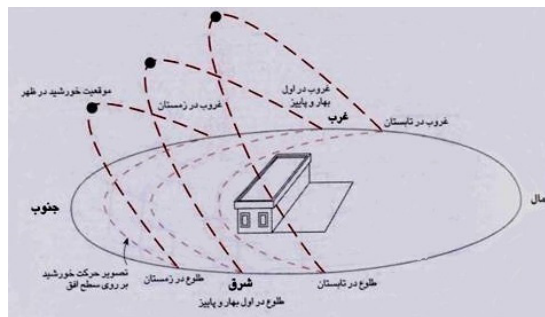
#### ۴ عوامل مؤثر بر معماری

از جمله عواملی که در شکل و کیفیت معماری تأثیرگذار هستند، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

#### ۴-۱- محور و سلسله‌مراتب

محور در مجموعه بنا اعم از حیاط و فضای مسکونی، طولی و در جهت کشیدگی بنا است. جز سلسله مراتب ورود از گذر به محوطه، که در شرح دستگاه ورودی بیان شده؛ نحوه دسترسی به بنا، با نحوه قرارگیری زمین نسبت به معبر مرتبط است و آنچه در عموم بناها جلب توجه می‌نماید، هندسه محوطه، وجود باغچه‌هایی قرینه و گاه آب‌نمایی واقع در محور اصلی محوطه است. این محور بسیار مستقل از بنا و نمای اصلی عمل کرده و ارتباط معناداری

شکل ۶: کشیدگی بنا در جهت شرقی- غربی در تابستان و زمستان



(Kasmaei, 1984)

#### ۴-۳- حریم و محصوریت

از موضوعات بسیار با اهمیت در معماری مسکونی می‌توان به تفکیک عرصه‌ها و تقسیم آن به سه بخش اصلی خصوصی، عمومی و نیمه‌خصوصی- نیمه‌عمومی اشاره

نمود. از ویژگی‌های معماری گیلان، عدم حضور لایه‌های تو در تو جهت استتار در بنا است. در معماری این منطقه، جداسازی‌های اکید فضاهای اندرونی و بیرونی مشاهده نمی‌شود در همین راستا، اتاق‌ها که در محدوده عرصه خصوصی جای دارند، مشرف به معبر و یا حیاطی هستند

به پنجره‌های ارسی، استفاده از رنگ قرمز یا ارغوانی در کاشی‌های هفت رنگ، عناصر تزئینی تحت تأثیر عناصر غربی و تبدیل سه دری به دو دری اشاره نمود (Khak-pour, 2015, p. 2) تزئینات شاخص دوره قاجار عبارت‌اند از: گچ‌بری و کاشیکاری هفت رنگ در نماهای داخلی، آرایه‌های چوبی در تزئینات، آئینه‌کاری، رسمی‌بندی، کاربندی و نقش گل و مرغ؛ که از اواخر صفویه آغاز شد و در دوره قاجار رواج یافت. رنگ ابداعی در دوره قاجار رنگ زرد معروف به زرد عسلی است.

در دوره زند و قاجار اغلب نوع مرغ‌ها قابل شناسایی نیستند. مرغ ترسیم شده، مضمون اصلی و احاطه‌کننده نقوش گل‌ها به حساب می‌آید که تصویر نمودن بوته گل سرخ برای قرارگاه مرغ نشانی از اهمیت این دو عنصر مهم در آثار دوره زند و قاجار است. این نقوش همچنین در برخی از منازل، بر روی در چوبی اتاق و قاب آئینه منقوش شده است. اغلب این آثار رنگ روغن با لایه غلیظ ورنی جهت محافظت است. در نقوش سقفی دوره قاجار، قاب‌ها دارای محور تقارن با ترکیب‌بندی ایستا، نما از روبرو، دارای قلم‌گیری در اطراف تصاویر، سایه روشن برای عمق‌دهی به اثر و استفاده از رنگ‌های شفاف است. منظره‌سازی در نقوش دوره قاجار در سقف‌های چوبی متداول و اغلب دورنمای بناهای اشرافی، مناظر غروب دریا و قایق است.

#### ۶. جغرافیای تاریخی شهر لاهیجان

در جغرافیای فرهنگی گیلان، این سرزمین به دو منطقه شرقی (بیه پیش) و غربی (بیه پس) تقسیم شده است. به گفته رابینو پایتخت بیه پیش لاهیجان و پایتخت بیه پس فومن بوده است. او درباره لاهیجان می‌نویسد: این شهر به وسیله لاهج بن سام بن نوح ساخته شده است. لاهیجان سابقاً به نام دارالاماره یا دارالامان معروف بوده و بعدها به نام لاهجان المبارک نامیده شده است (Rabino, 2003, p. 339). مطابق اسناد مکتوب، این شهر تا مدت‌ها از تفوق مطلق نسبت به دیگر مناطق گیلان برخوردار بوده چرا که دیگر مناطق عموماً امیرنشین و لاهیجان اولین منطقه با فرهنگ شهرنشینی در گیلان بوده است. چنانچه حمداله مستوفی از لاهیجان با عنوان «شهری بزرگ و دارالملک جیلانات» نام می‌برد. این شهر تا سال ۸۰۶ قمری مرکز حکومت سادات کیایی بر ناحیه بیه پیش گیلان بود. با روی کار آمدن کیاییان زیدی مذهب که از دشمنان اصلی دیلمی‌های اسماعیلی بودند قدرت و نفوذ دیلمیان و اسماعیلیان در گیلان به پایان رسید و دیلمان به زیر فرمان لاهیجان رفت و نام منطقه از دیلمستان به گیلان تغییر یافت. تا زمان سلطه صفویان این شهر، مرکز حکومت سلسله کیایی در گیلان بود (با سلطه صفویان، رشت بر لاهیجان برتری یافت). سادات کیایی در تمام امیرنشین‌های بیه پیش و بیه پس، پر آوازه‌ترین دودمان حکومتی گیلان در سده‌های هشتم تا یازدهم قمری به شمار می‌آیند. هسته اولیه لاهیجان از هفت محله به

که پذیرای افراد آشنا و غریبه بوده و محصوریت از اهمیت خاصی برخوردار نیست (Khakpour, 2016, p. 5).

#### ۴-۴- وزن بصری

در معماری گیلان القای حس تقارن به اندازه خود تقارن ارزشمند است. به عبارت دیگر خط و یا نقطه‌ای نامرئی در پلان یا نما موجود است و عناصر در دو طرف این خط یا محور نامرئی قرار گرفته‌اند. اگر عناصر عیناً در دو طرف این مکان نامرئی تکرار نشوند، به لحاظ وزن بصری به گونه ای انتخاب می‌شوند که مخاطب احساس ثقل بصری و حسی در یک طرف نسبت به طرف دیگر نداشته باشد. با ورود معماری قاجاریه، پله از داخل بنا به بیرون آمده و یکی از عوامل مهم برهم زنده تقارن بصری در بنا شده است.

#### ۵. ویژگی‌های معماری و هنر دوران صفویه و قاجاریه

با استقرار حکومت شاه عباس، اقتدار حکومت مرکزی افزایش یافته، امنیت راه‌ها و تجارت رونق گرفت و تجار متمول خواستار خانه‌هایی با مصالح مرغوب می‌شوند. سردر خانه، نشان از تمول صاحب خانه دارد. حوض از عناصر معماری دوره صفوی است که در خانه‌های مسلمانان از آن برای وضو گرفتن استفاده می‌شود. حضور گیاهان و آب زمینه‌ساز فضایی دلپذیر برای اهل خانه به مکان حوض معمولاً در مقابل شاه‌نشین قرار دارد تا هوای حیاط را قبل از ورود به تالار تلطیف کند. تالار دارای زمینه چلیپا و عموماً با طاق و چشمه پوشانده شده‌اند. تزئینات این دوره عموماً معرق آجر، ارسی با گره چینی‌های ریز، گچ‌بری برجسته و دیوارنگاری است. این دیوارنگاره‌ها از زمان شاه‌عباس و به منظور رقابت با کاخ‌های اروپایی متداول می‌شود که در منازل مسلمانان عموماً نقوش گیاهی و در منازل غیره از جمله ارامنه، نقوش انسانی است (Chehrizi, 2015, p. 5). نقاشی گل و بته در دوره صفویه به شکوفایی می‌رسد و به تدریج نقاشی روی قلمدان‌ها، قاب‌های آئینه، تابلو، جلد‌های روغنی رایج می‌شود. در این دوره بیشتر درخت یا درختچه (محل استقرار مرغ) بیرون از محور تقارن اثر واقع و ترکیب‌بندی نقوش متحرک و فعال است. از دیگر مشخصات نقوش صفویه شناسایی نوع مرغ‌های به کار رفته در آثار است.

در بناهای مسکونی دوره قاجاریه، سرسرای ورودی دارای پلکان‌هایی در وسط با دو پاگرد دو شاخه است. اطاق مرکزی با ایوان ستون‌دار در جلوی ورودی و اطاق‌های کوچک‌تر واقع در اطراف اطاق مرکزی شکل می‌گیرد. مرکزیت بنا با ستون تعریف شده و مقطع ستون‌ها، دایره، مربع یا شش وجهی بوده و توجه به سر ستون بیشتر از پایه و قلم ستون است. گاه لایه‌ای از گچ روی تیرهای چوبین را می‌پوشاند و روی آن موتیف‌های تخت دو بعدی گچکاری می‌شود. از دیگر شاخصه‌های معماری قاجاریه می‌توان

خانه تاریخی مورد مطالعه، مشهور به خانه صادقی در محله اردوبازار لاهیجان واقع است (شکل ۹). ورودی اصلی بنا در جبهه شمال شرقی واقع است که به کوچه قدیمی سینما ایران دسترسی دارد. ورودی جبهه جنوب غربی (مخصوص خدمه) در کوچه محقق زاهد بوده که دسترسی مستقیم به فضاهای داخلی را ممکن ساخته و امروز در اصلی تلقی می‌شود. مجموعه در جنوب معبر قرار دارد و محوطه در جبهه شرق، دارای باغچه مشجر و نیز حوضی به شکل مستطیل است. قوس‌های موجود در دیوار حیاط، از انواع دور تمام و نیز پنج او هفت کند است (شکل‌های ۷ و ۸).

نام‌های خُمیر کلایه، اردوبازار، گابنه، میدان، شُعبراف محله، پُرده سَر و کارونسرابَر تشکیل شده بود که این محلات همچنان بر جا است.

## ۷. معماری خانه صادقی

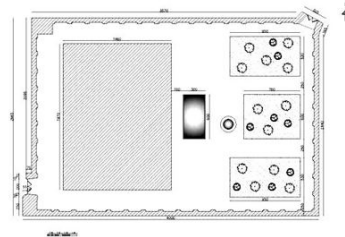
مالکیت این بنای تاریخی، متعلق به محمد صادقی بود که در سال ۱۳۸۳ توسط اقوام وی به اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان فروخته شده است.

## ۷-۱- جانمایی و موقعیت

شکل ۷: نقشه بافت مرکزی شهر لاهیجان و موقعیت بنای مورد مطالعه بر آن



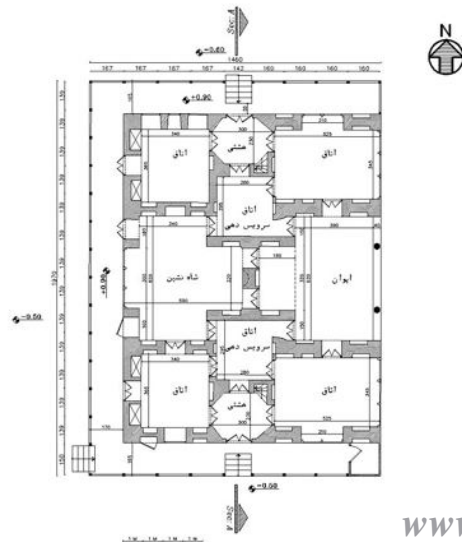
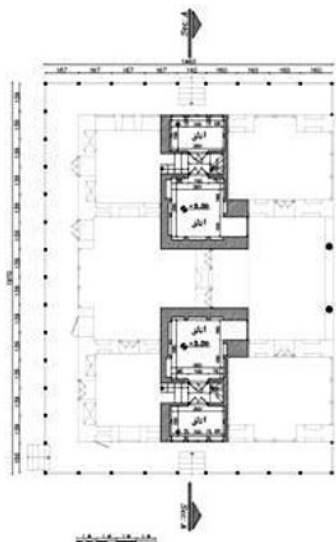
شکل ۸: پلان موقعیت، قوس دیوار حیاط و حوض



چوبی با مقطع شش و سرستون تراش داده شده، سبب تمایز این نما به عنوان نمای اصلی از دیگر نماها شده است. سقف بنا چهارشیبه با دو خط الرأس، دو پشته<sup>۱</sup> با صندوقه چوبی و سفال سنتی است (شکل ۹).

غیر از تالار یا شاه نشین که در پشت ایوان اصلی و در غرب آن قرار داشته و یک طبقه است، بقیه فضاها (۱۰ اتاق دیگر) در دو طبقه، بر روی کرسی چینی- به ارتفاع ۱/۴ متر- و بعد از کرسی- به ارتفاع ۴ متر تا زیر سقف- بنا شده است. وجود ایوان در ضلع شرقی مشرف به حیاط با دو ستون

شکل ۹: پلان‌های طبقات



دیوار باربر (گاه تا ۸۰ سانتی متر) است. تزیینات شامل انواع تزیین بر چوب شامل مقرنس، گره درودگران با شیشه‌های الوان و نقاشی گل و مرغ بر درها و تزیینات گچی شامل مقرنس گچی، قطاربندی و نقش برجسته‌های گل و مرغ و شکارگاه است. شاه‌نشین دارای هشت در است که دو در، دارای نقش گل و مرغ است.

دو راه پله در دو هشتی با الگوی کَشکولی<sup>۱۰</sup> در دو سوی بنا ورود به اتاق‌های طبقه اول را امکان‌پذیر می‌کنند. قوس داخل اتاق‌ها از نوع سه بخشی تند و کند و قوس داخلی ایوان، چهار بخشی تند است. شاه‌نشین چلیپایی در جبهه غرب به دلیل وجود کجباران منطقه، با ارسی بسیار زیبایی با ترکیب چوب و شیشه‌های رنگی مسدود شده است. بنا در سه جبهه شمال، غرب و جنوب غلامگردش دارد. سازه بنا

شکل ۱۰: نماهای شرقی و غربی بنا

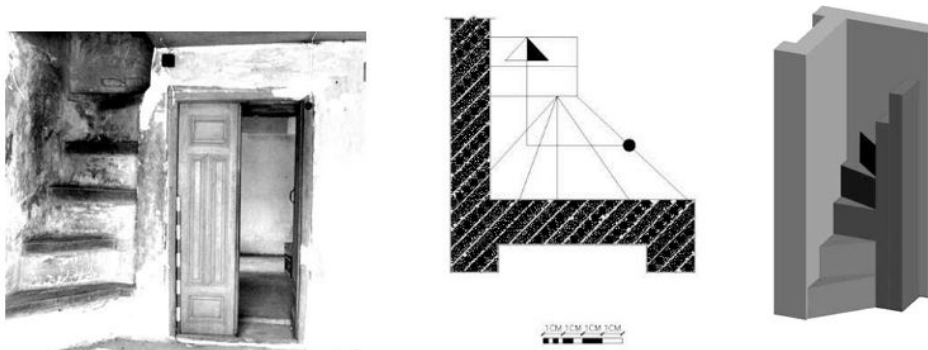


گیلان جهت پذیرایی از مهمانان و نیز نشیمن ساکنین بوده است؛ حال آن‌که دسترسی به اتاق‌های غربی اعم از شاه‌نشین و دو اتاق شمالی و جنوبی این جبهه از طریق غلامگردش امکان‌پذیر است. اتاق‌های تراز دوم دارای رف و طاقچه برای نگهداری برخی وسایل و نیز برای استراحت ساکنین بوده و از تزیینات کاملاً بی‌بهره است. در این بنا جز چند پله آن هم برای دسترسی به ایوان، این عنصر نمود بیرونی ندارد و به نظر می‌رسد ساختار شکلی بنا در نما، کمتر تحت تأثیر معماری قاجار که تمایل به ظهور پله طبقات دارد، بوده است. فاخر بودن بنا و تزیینات آن، نازل بودن کیفیت و نیز شکل پله‌های قرینه در جوانب شاه‌نشین، مؤید ارجح بودن ماهیت خدماتی فضاهای فوقانی است (شکل ۱۱).

### ۸. نقد و بررسی معماری

مجموعه (شامل بنا و محوطه)، دارای کشیدگی شرقی-غربی و محور کشیدگی پلان بنا، در جهت شمالی-جنوبی است که انتخاب مناسبی نیست، چرا که جبهه غرب را در معرض کجباران قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد دلیل این انتخاب موقعیت معبر و ترجیح معمار برای هم‌نشینی محوطه با بنایی به عمق متناسب (نسبت عرض به طول بنا ۱ به ۱/۳) باشد. لاهیجان به دلیل تراز عمومی نسبت به شهرهای مرطوب منطقه جلگه، از رطوبت کمتری برخوردار است و احتمالاً به همین دلیل بناها به‌طور غالب دارای گریه رو نیستند. در تراز اول (همکف)، دسترسی به اتاق‌های شرقی، از طریق ایوانی دارای تزیینات فراوان امکان‌پذیر است. فضاهای این طبقه مطابق الگوی معماری

شکل ۱۱: پله طبقات

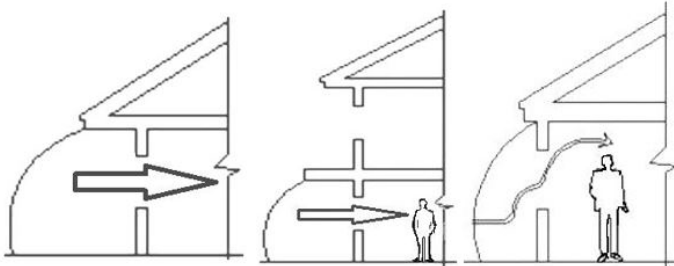


بنابراین وجود سایبان با عمق زیاد در ایوان شرقی باعث مطبوع شدن هوای شاه‌نشین در فصول گرم سال می‌شود (شکل ۱۲).

باتوجه به موقعیت و نوع طراحی ایوان، پیش‌آمدگی بام در ایوان باعث حبس هوا در زیر آن و در نتیجه افزایش فشار هوا شده باعث وزش نسیم در داخل خانه می‌شود؛



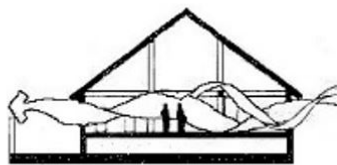
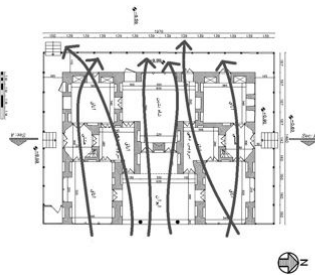
شکل ۱۲: مکانیزم پیش‌آمدگی بام در جهت مکش هوا و ایجاد خنکای ایوان



کوران خواهد شد. تغییر موقعیت پنجره‌های روبرو، موجب انحراف مسیر جریان هوای داخلی شده که با توجه به موقعیت بازشوی خروجی، بر کیفیت و سطح پوشش جریان هوا تأثیر گذار است (شکل ۱۳).

نوع پنجره می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای روی مسیر هوای ورودی و مقدار خنک‌کنندگی آن داشته باشد. آن چه جایگاه بازشوها به خصوص پنجره را در جداره بنا حائز اهمیت می‌کند، سطح بازشو و مکان قرارگیری آن است. پنجره‌های روبرو و هم سطح باعث مکش هوا و در نتیجه

شکل ۱۳: مکش هوا و ایجاد کوران با تعبیه پنجره‌های روبرو و همسطح



آن، در مقابل بار سنگین مصالح بالادست از جمله طبقات، سقف و نیز تزیینات، نسبت به دیگر انواع مصالح ساختمانی مانند چوب است. نسبت بازشوها در جبهه شرق ۱ به ۱/۶ در جبهه غرب ۱ به ۲/۳ و در جبهه‌های شمال و جنوب تقریباً ۱ به ۳/۲ است و به نظر می‌رسد که معمار، رفتار حرارتی آجر (کندی بازپس‌دهی دما) را با تعبیه بازشوهای کافی خصوصاً در جبهه‌های شمال و جنوب جبران نکرده است؛ حال آن‌که ماندگاری و تحمل بالای آجر با ایجاد انواع بازشوها مانند در و پنجره به خصوص در مسیر وزش باد مطلوب، بسیار کارساز است.

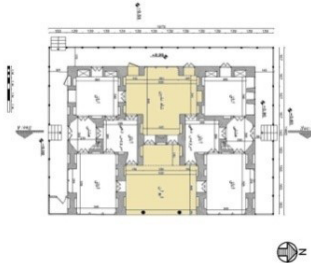
ظرفیت حرارتی مصالح ساختمانی مورد استفاده در جداره‌های خارجی، به شدت حرارت و نوسان روزانه دمای هوای محل و همچنین به عملکرد و الگوی اشغال فضاهای محصور شده به این جداره‌ها بستگی دارد (Kasmaei, 1984, p. 257). دیوارهای ساختمان در طول روز، دوره گرم و سرد شدن را طی می‌کنند که دامنه نوسان برای سطوح داخلی و خارجی یکسان نبوده و در سطوح داخلی همیشه کمتر از سطوح خارجی است. هرچه مقاومت حرارتی دیوار بیشتر باشد زمان به حداقل و حداکثر رسیدن دمای سطوح داخلی نسبت به هوای خارجی بیشتر به تأخیر می‌افتد این زمان تأخیری برای چوب ۱/۳ ساعت و برای آجر ۱۲ ساعت است (Kasmaei, 1984, p. 34)؛ در نتیجه عکس‌العمل کند بنا در مقابل وزش باد و تغییر دمای بیرون، موجب تأخیر در خنک شدن بدنه داخلی بنا می‌شود. با توجه به آن‌که به طور طبیعی بنا در روز گرم شده و در شب حرارت ذخیره شده آزاد می‌شود، این تأخیر عاملی بازدارنده در مقابل گرایش به تبرید بنا، در فصول گرم و مرطوب سال است. در این اقلیم مصالح با ظرفیت حرارتی پایین تر و نیز ضخامت کمتر (مانند دیوارهای چوبی که استفاده از آن در روستاها رایج است) جواب مناسب‌تری به نیاز اقلیمی منطقه بوده و آجر انتخابی ارجح برای اقلیم معتدل و مرطوب نیست. ظاهراً انتخاب معمار، میزان ماندگاری آجر و نیز تاب فشار

در معماری خانه‌های شهری گیلان، فضاها عموماً به دو دسته اصلی قابل تقسیم هستند: فضاهای مکث، زیستی بوده ساکنین بنا زمان زیادی از شبانه روز را در آن‌ها سپری می‌کنند؛ بنابراین در طراحی این دسته از فضاها بر تأمین نور و کوران تأکید فراوان می‌شود. فضاهای حرکت، عمر استفاده کوتاهی دارند، برای گذر از یک فضا به فضای دیگر استفاده می‌شوند و دارای نور و کوران کافی نیستند. این دسته فضاها عموماً خدماتی و در بطن بنا واقع بوده و سهم چشمگیری در نماهای اصلی ندارند. با عنایت به موارد گفته شده، فضاهای بنای صادقی مشتمل بر چهار دسته عمده است:

۱. این دسته فضاها، در تراز اول قرار داشته و شامل ایوان اصلی و شاه نشین است. با توجه به جانمایی آن‌ها در مرکز

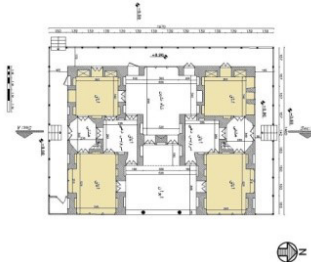
(محل تقاطع دو محور طولی و عرضی)، سهم مهم ایوان در رفتار اقلیمی بنا و نیز نوع تزیینات، میزان اهمیت آن‌ها مشخص می‌شود. این دسته در رده فضای مکث قرار دارند (شکل ۱۴).

شکل ۱۴: فضاهای دسته اول



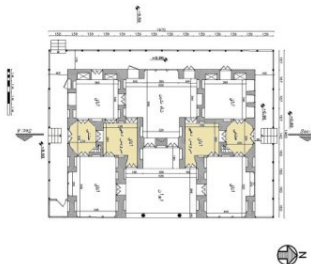
۲. این فضاها، در تراز اول واقع و شامل اتاق‌هایی است که به دلیل جایگاه مناسب در بنا از نور و کوران مناسبی برخوردارند؛ پشتیبان فضاهای ردیف اول بوده و از اهمیت بسیاری برخوردار بوده چرا که برای استفاده روزانه ساکنین کاربرد داشته و در رده فضاهای مکث قرار دارند (شکل ۱۵).

شکل ۱۵: فضاهای دسته دوم



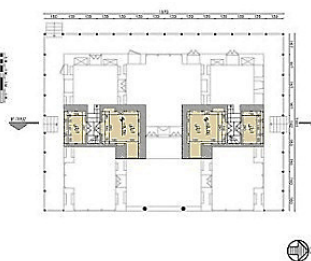
۳. این دسته از فضاها، نیز در تراز اول قرار داشته و شامل فضاهایی است که به هیچ وجه از نور طبیعی و کوران مناسب برخوردار نیستند. از لحاظ جانمایی در بین فضاهای دسته اول و دوم قرار گرفته و به دلیل بهره‌مندی از امکان اتصال فضاها، دارای درهای متعدد به فضاهای مجاور هستند. وجود این درها، امکان بهره‌مندی از ورزش باد و چرخش هوا را در روزهای گرم سال می‌دهد. بنابراین کیفیت طراحی این دسته از فضاها، علی‌رغم عدم سکونت افراد در آن‌ها در پروسه ارتباط فضایی با اهمیت تلقی شده و به همین دلیل فضای حرکت تلقی می‌شوند (شکل ۱۶).

شکل ۱۶: فضاهای دسته سوم



۴. این دسته از فضاها، در تراز دوم قرار داشته و دارای نور و کوران هوا نیستند. ابعاد این اتاق‌ها، تزیینات اندک آن‌ها و نیز نوع دسترسی به آن‌ها حکایت از اهمیت کم آن‌ها دارد؛ چنان که از آن‌ها فقط برای استراحت نیمروزی و نیز برخی خدمات استفاده می‌شده است. این فضاها نیز در رده فضاهای مکث قرار دارند (شکل ۱۷).

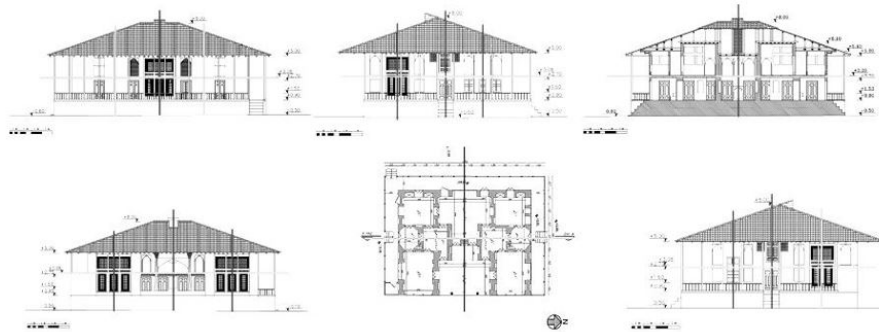
شکل ۱۷: فضاهای دسته چهارم



مورد نظر را منقسم می‌نماید، نیز دیده شده‌اند. بنا هم در پلان و هم در نماهای شرقی و غربی کاملاً قرینه است. قرینگی پلان حول محور شرقی- غربی و هم محور با کشیدگی کل مجموعه است (شکل ۱۸).

قرینگی در پلان‌ها و نیز در نماها (پر و خالی‌ها) مشهود است؛ چنان‌که حداقل یک محور که براساس آن عوامل موجود به دو بخش کاملاً متناظر تقسیم شده مشاهده می‌شود. در این میان محورهایی که به لحاظ وزنی عوامل

شکل ۱۸: پلان‌ها، نماها و نماهای داخلی (اتاق‌ها)، تناسبات پر و خالی‌ها و قرینگی در آن‌ها



صفویه (تعبیه بازشوهایی با تعداد فرد) به الگوی قاجاریه (زوج) حکایت دارد. دو ستون فاخر در نمای شرقی از جنس چوب درخت «آزاد» وظیفه حمل بار سقف ایوان را به عهده دارند. چوب این درخت نزد مردم گیلان از اهمیت و تقدس برخوردار است. ساخت ستون از چنین چوبی که خود نگهدارنده سقف و پایداری بیشتر بنا است، کاملاً توجیه پذیر است (Khakpour, 2017, p. 6) (تصویر ۱۹).

نمای شرقی ایوان دارای تزیینات فراوان و نماهای جانبی همین فضا، یعنی بخش شمالی و جنوبی ایوان دارای تزیینات کمتری است؛ چرا که این نماها کمتر در معرض دید هستند. در حاشیه زیر سقف، نقاشی به صورت کلاژ روی زمینه کاغذی به دیوار چسبانده شده و در حاشیه سقف شاه‌نشین، از نقش گل و مرغ و نیز قایق استفاده شده که از ویژگی‌های هنر دوره قاجار است. از ایوان دو در به شاه نشین باز می‌شود که این نمونه از تغییر الگوی دوره

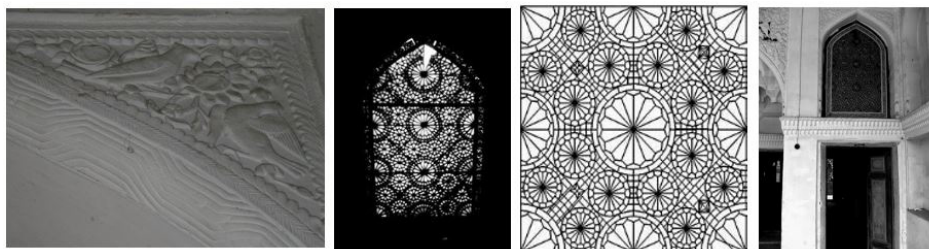
شکل ۱۹: انواع تزیینات در ایوان (دیوار جبهه جنوبی، ورودی به شاه نشین، ستون و کلاژ حاشیه فوقانی دیوار شرقی)



کم پر، در حال حرکت هستند. با توجه به ویژگی‌های یاد شده در هنر صفویه، این نقاشی، تحت تأثیر سبک آن دوره ساخته شده است (شکل ۲۰).

در ساخت خفنگ درها، از گره، درودگران (شمسه شانزده) استفاده شده و در حواشی طاق نماهای اضلاع شمالی و جنوبی ایوان، اثر گل و مرغ گچی دیده می‌شود که در آن دو مرغ که یکی از آن‌ها شانه بسر است، در اطراف گلی

شکل ۲۰: نماهایی از گره‌چینی خفنگ در ایوان و نیز گچ‌بری‌های آن



اثر و از گیاهان تاک و گل‌های سرخ، نرگس و صد برگ در حاشیه استفاده شده است. در بخش فوقانی این گچ‌بری‌ها قطاربندی مشاهده می‌شود (تصویر ۲۱).

بر بخش فوقانی مقرنس‌ها، نقش اسلیمی و بر پیشانی ایوان، گچ‌بری با مضمون سیمرغ (سی مرغ) در دو سوی مقرنس‌ها، به صورت قرینه موجود است. با توجه به این که کل اثر دارای حرکت بوده در ایجاد نقش، از انواع مرغان مشخص در مرکز

شکل ۲۱: گچ‌بری‌های ایوان



نسبت به نمای شرقی از تزئینات بیشتری برخوردار است (شکل ۲۲).

در اضلاع شرقی و غربی بنا، از پنجره‌های ارسی استفاده شده است. این ارسی‌ها از انواع گره درودگران شمسه شش و هشت تشکیل شده و ارسی نمای غربی بنا (شاه نشین)

شکل ۲۲: نمای داخلی ارسی‌ها و درشت نمایی شمسه شش در ارسی شاه‌نشین



بر محور تقارن وزنی دیده می‌شوند که زمان ظهور این موتیف‌ها در دوره قاجاریه حکایت از تأثیر این سبک، بر اثر فوق دارد. یراق‌آلات مشبک و گل‌میخ‌های موجود بر دماغه درها، آهنی است (شکل ۲۳).

تزئینات بر درهای شاه‌نشین شامل نقاشی لاک‌ی با رویه و با مضمون گل و مرغ است که در آن گل‌هایی مانند: زنبق، صدبرگ با رنگ‌های متنوع دیده می‌شود. مرغ‌ها بی‌حرکت و گل‌ها برخی بر محور تقارن بصری و برخی

شکل ۲۳: نماهایی از نقوش گل و مرغ بر درهای شاه‌نشین و یراق‌آلات درهای داخلی و خارجی بنا



شعری با مضمون زیر حجاری شده است:

تدر شاه‌نشین، بخاری دیواری با سنگ دو تکه و هر تکه یکپارچه تراشیده شده که در حاشیه تحتانی آن، بیت

که در سوز و گداز آورده مرغان شکاریرا

نظر کن آتشین گلهای گلدار (!) بخاریرا



زیرا گیاهان در اثر فوق تابع محور تقارن هستند. مضمون اثر بسیار ساکن است و گیاهان و پرندگان موجود، دارای هویت خاصی نیستند (شکل ۲۴).

که منظور از سوز و گداز مرغان شکاری، گچ‌بری‌های نفیس گل و مرغ بر پیشانی بخاری است؛ که با توجه به تزیینات گچی خودرنگ در بنا، به نظر می‌رسد این اثر بعداً رنگ‌آمیزی شده است. نقشه این طرح، از الگوهای قاجار تبعیت کرده

شکل ۲۴: جانمایی بخاری دیواری و گچ‌بری بر بخش فوقانی آن



باز به بسته در بدنه‌ها به خصوص نماهای شمالی و جنوبی گواه این ادعا است. به نظر می‌رسد عدم شناخت از واکنش دیوار آجری در برابر دما و رطوبت، باعث بی‌توجهی نسبت به تعادل تعداد پنجره‌ها در بدنه بنا شده است.

از دیگر دلایل عدم تطابق کامل این بنا با معماری رایج دوره قاجار را می‌توان به عدم توجه به مرکزیت بنا با نمایان‌سازی پله در نمای اصلی اشاره نمود. پله پر از تزیینات در نمای بنا، حاکی از اهمیت جایگاه اجتماعی مالک بنا و رفت و آمدهای وی با دیگر افراد متمول و سیاستمداران بوده حال آن‌که در بنای فوق این تمایل به تظاهر در نما وجود ندارد؛ اما همانند اکثر ساختمان‌های دوره قاجار از مصالح گل، آهک، لویی، سنگ، شیشه، سفال و چوب استفاده نموده و بام با سفال، شیرسری‌ها و دیوار آجری با اندود گچ به همراه پنجره‌های ارسی اجرا شده است. ستون با تعداد اضلاع شش و توجه به سرستون‌ها از ویژگی‌های معماری قاجاری است که جنبه دعوت‌کنندگی در بنا و در نتیجه عمر تماشای فضاهای عمومی مانند ایوان و شاه نشین را افزایش می‌دهد از دیگر عوامل معماری قاجاری که در بنا ظهور پیدا کرده وجود دودری و حوض مربع مستطیل است.

برای آراستن فضاهای خانه‌های سنتی دوره قاجار که شامل دو دسته تزیینات حجمی (مانند: مقرنس، رسمی بندی) و تزیینات تقریباً مسطح (مثل: آجر کاری، گچ بری، آینه کاری، نقاشی، حجاری و کار با چوب) هستند، بخش عمده‌ای از این تزیینات مطابق با الگوی قاجار در این بنا مورد استفاده قرار گرفته است. از دیگر هنرهای تزیینی دوره قاجار که حکایت از تأثیر پذیری بنا دارد می‌توان به پنجره‌های ارسی، طاقچه‌ها و رف‌ها، درهایی با نقاشی گل و مرغ و نیز حجاری اشاره نمود (جدول ۱).

## ۹. نتیجه‌گیری

با ورود معماری قاجار به محدوده اقلیمی معتدل و مرطوب در شمال ایران بسیاری از عناصر با اهمیت در ساختار بنا که با اقلیم منطقه ارتباط تنگاتنگ داشتند؛ دگرگون شده و یا رو به اضمحلال گذاشتند؛ مطالعه و نقد منزل مسکونی صادقی در لاهیجان با رویکرد تفحص در تأثیرات معماری وارداتی قاجار بر معماری اقلیمی منطقه گیلان صورت گرفت که نتایجی در باب تأثیر و تأثر دو مقوله بر یکدیگر داشته است.

مطالعه خانه صادقی شامل دو شاخه اصلی است: معماری و تزیینات. که در هر دو مورد از استادکاران زبده استفاده شده و این امر ضامن ماندگاری بنا تا به امروز بوده است. در بخش آغازین یعنی کالبد اصلی بنا ترکیب فضاهای پر و خالی یعنی اتاق‌ها و ایوان نشان‌دهنده آن است که بنا از الگوهای چهارگانه تبعیت نمی‌نماید و تابع الگوی متأخر با ایجاد ایوان مرکزی است که از کارایی مناسب اقلیمی (مانند دیگر انواع)، برخوردار نیست. آنچه بازدهی اقلیمی ایوان خانه صادقی را مناسب جلوه می‌دهد، عمق آن است که وسعت پیش‌آمدگی سقف، توانایی مکش هوا را دو چندان نموده و هدایت باد به درون شاه نشین را میسر می‌سازد. به نظر می‌رسد معمار بنا، به دنبال پیروی از الگوی معماری جدید، از طراحی اقلیمی کاملاً صرف‌نظر ننموده بلکه تلاش وی در جهت تغییر شکل الگوی وارداتی و بهینه‌سازی آن با توجه به بستر طرح است. انتخاب آجر به دلیل رفتار حرارتی آن (کندی باز پس‌دهی دما) نیازمند تعبیه بازشوهای کافی خصوصاً در جبهه‌های شمال و جنوب بوده است که معمار از کنار این موضوع با تساهل عبور نموده و نسبت سطوح

جدول ۱: بررسی تطبیقی معماری خانه صادقی در دوره صفویه و قاجاریه

| خانه صادقی     | جانمایی بنا | دیوار | سقف | کرسی ایوان | ستون | پله | تعداد بازشوها | حوض | ارسی | گچ‌بری | نقاشی | حجاری |
|----------------|-------------|-------|-----|------------|------|-----|---------------|-----|------|--------|-------|-------|
| معماری اقلیمی  |             |       | *   | *          | *    |     |               |     |      |        |       |       |
| معماری صفویه   |             |       |     |            |      | *   |               |     |      | *      | *     |       |
| معماری قاجاریه |             | *     |     |            | *    |     | *             | *   | *    | *      | *     | *     |
| نامشخص         | *           |       |     |            |      |     |               |     |      |        |       |       |

گیلان، به جای تأثیرپذیری کامل از نوعی معماری که برای طبقه اعیان، نشانه‌های فراوانی از تظاهر به تمول و تفاخر داشت؛ تصمیم به تلفیق معماری اقلیمی گیلان و معماری دوره قاجاریه گرفته است. بعدها، با همه‌گیری الگوهای ساخت و ساز قاجاریه و روش‌های متأخرتر، معماری اقلیمی به تدریج در سایه زیبایی‌های بزرگ کرده جدید، رنگ باخت.

با توجه به جدول می‌توان تأثیرپذیری تدریجی بناهای گیلان، از معماری دوره قاجار را دریافت. برای مردمی که معماری کم‌تزیینات و راست‌گوشه با مصالح چوب داشتند معماری پر طمطراق و پر از حشو و زوائد قاجاریه بسیار جذاب می‌نمود. با نگاهی دقیق به کلیه عوامل موجود در عمارت صادقی، به نظر می‌رسد معماری خانه‌های شهری

### پی‌نوشت

۱. فضایی سرپوشیده و نیمه‌باز مانند ایوان که در جلوی درگاه ورودی ساخته می‌شود و فضای دسترسی را از معبر متمایز می‌کند.
۲. تک هسته‌ای متشکل از یک واحد مسکونی و دو هسته‌ای مجموعه‌ای متشکل از دو واحد تقریباً متمایز اما پیوسته است.
۳. فرو رفتگی و طاقچه‌های کوچکی که بر بالای طاقچه‌های اصلی می‌سازند و محل تزییناتی مانند: گچ‌بری و آئینه‌کاری است.
۴. ظرفیت حرارتی یا ظرفیت گرمایی مقدار گرمایی است که واحد جرم برای بالا بردن دمای یک درجه سانتی‌گراد به آن نیاز دارد.
۵. نوعی اسکلت چوبی است که زمینه‌ای برای اجرای سقف سفال پوش است.
۶. سفال‌ها را بدون استفاده از ملات به صورت خشکه چین روی هم قرار می‌دادند و فقط جلوی کار را با آهک و گل محکم می‌کردند.
۷. آجری که قبل از پخت به صورت دلخواه برش و شکل داده شود.
۸. نوعی پنجره که باز شدن آن در راستای محور عمودی است و به عنوان یک عنصر تزییناتی مورد استفاده قرار می‌گرفت.
۹. طبقاتی کردن لبه بام با چوب. با این کار هر طبقه جلوتر از قبلی قرار می‌گیرد. این فناوری به غیر از طولیل کردن تیر چوبی پوش سقف و نیز افزایش طول کنسول، مانع رسیدن آب باران به دیوارها شود (Khakpour, 2013, p. 91).
۱۰. از انواع هشتی به صورت یک مستطیل که چهار گوشه آن پخ شده باشد.

## REFERENCES

- Chehrizi, Gh. (2015). A Comparative Study of the Architecture of Safavid and Qajar Houses in Isfahan. 3rd International Congress of Civil, Architecture and Urban Development, Tehran: Shahid Beheshti University. [https://www.civilica.com/Paper-ICSAU03-ICSAU03\\_1137.html](https://www.civilica.com/Paper-ICSAU03-ICSAU03_1137.html)
- Farasati, R. (2002). Rasht City Map in 1287 Lunar. *Journal of Asar*, 33 - 34, 351 – 356.
- Haghparast, F., Mazloun Borhan, Sh., & Pirbabai, H. (2015). Mutual Impact of the Religious Music and Architecture of Qajar Era in the Evolution of the Islamic Collective Spaces, Case Study: Tehran Tekye Dowlat. *Journal of Naghshe Jahan*, 3, 43-50. <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-6806-fa.html>
- Kasmaei, M. (1984). Climate and Architecture, Tehran: Khak Publishing.
- Khakpour, M. (2013). The Identification of Holy Mausoleum of Lahijan. *Journal of Islamic Iranian Studies*, 13, 92-82. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=486335>
- Khakpour, M. (2014). Rehabilitation Plan for Rahmat Samiei's Mansion (Talesh Khan) in Rasht. First National Conference on Sustainable Development in Geography, Planning, Architecture and Urban Planning. Tehran. Iran.
- Khakpour, M. (2016). Guilan Architecture in the Safavid era. National Conference of Guilan in the Safavid era. Rasht, Iran.
- Khakpour, M. (2017). Architectural Patterns of Islamic Tombs of Iran in Guilan. Doctoral Thesis, Department of Art Research, Faculty of Art. Al-Zahra University.
- Khakpour, M. (2017). Aghadar: A Belief of Revering Trees in Gilan. *Art and Humanities Open Access Journal*, 1(2), eISSN: 2577-8250. <https://medcraveonline.com/AHOAJ/aghadar-a-belief-of-revering-trees-in-gilan.html>
- Rabino, H.L. (2003). Le Monastère de Sainte-catherine du Mont Sinai. (J. Khamamizadeh, Trans.). Rasht: Taati Publications, Iran.

## نحوه ارجاع به این مقاله

خاکپور، مینو و کاتب، فاطمه. (۱۳۹۸). هم‌نشینی الگوها در معماری خانه‌های تاریخی، مورد مطالعاتی: خانه صادقی (لاهیجان). نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۲(۲۹)، ۱-۱۵.

DOI: 10.22034/AAUD.2020.93867.1257

URL: [http://www.armanshahrjournal.com/article\\_102360.html](http://www.armanshahrjournal.com/article_102360.html)

